



شماره پانزدهم
بهار ۱۳۹۰
صفحات ۵۷-۳۵

تحلیل گفتمانی جزیره سرگردانی و پیوند معنایی آن با دیگر رمان‌های سیمین دانشور

دکتر حسینعلی قبادی

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

دکتر فردوس آقاگل‌زاده

دانشیار زبان‌شناسی همگانی دانشگاه تربیت مدرس

سیدعلی دسپ*

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

صاحب‌نظران تحلیل گفتمان در تحلیل متون ادبی، افزون‌بر جنبه‌های صوری و واژگانی، بر عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیز تأکید دارند. نورمن فرکلاف، از نظریه‌پردازان تحلیل گفتمان انتقادی، متون را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بررسی می‌کند. این شیوه در توصیف و کشف دیدگاه‌های فکری نویسندگان و رویکردهای سیاسی و اجتماعی آنان کارآمد است. در این پژوهش رمان جزیره سرگردانی، نوشته سیمین دانشور، با استفاده از این رهیافت، تحلیل و تبیین شده‌است تا چگونگی نگرش نویسنده در پردازش لایه‌های مختلف درون‌مایه آن کشف گردد. مسأله هویت، آزادی، استعمار و تبعیض، سرگردانی انسان مدرن، توسعه، سنت و تجدد، مذهب و اهمیت آن، در گفتگوها، صحنه‌سازی‌ها، و روایت‌های این رمان در مرکز توجه قرار گرفته‌است. ویژگی‌های یادشده، گفتمان غالب در آثار دانشور است که با رمان‌های دیگر نویسنده (سووشون و ساریان سرگردان) پیوند معنایی ایجاد می‌کند.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان، درون‌مایه، ایدئولوژی، جزیره سرگردانی، سیمین دانشور

*Ali_dasp@yahoo.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۱/۲۸

نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسؤل:

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱/۱۴

۱- مقدمه

در رمان‌های سیمین دانشور (از سووشون تا جزیره سرگردانی)، نمودهایی از سنت، فرهنگ، هویت، اخلاق، مردم‌داری و مذهب بازتاب یافته‌است که مطابق با سرشت این مرز و بوم است و می‌توان از این ویژگی به جهان‌بینی نویسنده یاد کرد. وی در رمان‌هایش با رهیافت ویژه خود، بین سنت و تجدد آشتی برقرار کرده و هرگونه پیشرفت، تجدد، توسعه، فناوری و آگاهی اجتماعی را در صورتی می‌پذیرد که در تعامل با سنت، مذهب، آیین و فرهنگ ایرانی و اسلامی باشد.

نوع نگاه سیمین دانشور به تحولات سیاسی و اجتماعی و توجه او به انسان معاصر، زمینه‌ساز تحقیقاتی گسترده درباره آثارش شده‌است. جزیره سرگردانی (۱۳۷۲) نیز از رمان‌های معروف دانشور است که تحقیقاتی - چه به صورت مستقل و چه در کتاب‌های مربوط به ادبیات داستانی معاصر ایران - پیرامون آن انجام شده‌است. از نقدهایی که درباره این رمان نوشته شده‌است و تا حدودی به بافت موقعیت در آن اشاره داشته‌اند، می‌توان به کتاب اسحاقیان (۱۳۸۵) با عنوان درنگی بر سرگردانی‌های شهرزاد پسامدرن سیمین دانشور اشاره کرد که در فصل سوم آن، جزیره سرگردانی را از دیدگاه نقد جامعه‌شناختی به صورت مختصر بررسی کرده‌است. دهباشی (۱۳۸۳) در کتاب بر ساحل جزیره سرگردانی: جشن‌نامه دکتر سیمین دانشور تقریباً بیشتر مقالات مربوط به سیمین دانشور و آثارش را گرد آورده‌است که بخشی از آن به جزیره سرگردانی اختصاص دارد. در این مجموعه، رمان‌های دانشور اغلب از نظر عناصر داستان و درون‌مایه بررسی شده‌اند و مقالات مربوط به سووشون و جزیره سرگردانی بیش از ساریان سرگردان است. پایان‌نامه‌هایی که به آثار سیمین دانشور اختصاص دارند نیز بیشتر به عناصر داستان پرداخته‌اند. تنها پایان‌نامه‌ای که از نظر موقعیت سیاسی و اجتماعی اثر با مقاله حاضر مشابهت دارد، پایان‌نامه یوسفی (۱۳۷۸) تحت عنوان «بررسی آثار داستانی سیمین دانشور» است. وی آثار داستانی سیمین دانشور را از آتش خاموش تا جزیره سرگردانی، در دو بخش ساختار و درون‌مایه بررسی کرده‌است. در این پژوهش، تأکید اصلی نویسنده بر «درون‌مایه» و «موضوع» است، ولی در تحلیل، به بررسی عناصر داستان پرداخته‌است. در بین نوشته‌ها و نقدهای مربوط به ادبیات داستانی معاصر نیز گاه مطالبی ارزشمند درباره آثار سیمین دانشور دیده می‌شود.

انگیزه اصلی این پژوهش، توجه به نگرش و جهان‌بینی سیاسی و اجتماعی سیمین دانشور در رمان جزیره سرگردانی و پیوند آن با دو رمان سووشون و ساریان سرگردان، با توجه به کاربرد آن در بافت متن^۱ و انتخاب واژگان خاص متناسب با بافت موقعیت^۲ است که غالباً در پژوهش‌های پیشین نادیده گرفته شده‌است.

روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و بر مبنای راهبردهای کارآمد تحلیل گفتمان انتقادی^۳ به مطالعه، بررسی و تحلیل رمان جزیره سرگردانی می‌پردازد. از آنجا که این پژوهش به جهان‌نگری نویسنده و تحلیل مهم‌ترین بن‌مایه‌های رمان نظر خواهد داشت، ابتدا به تحولات سیاسی، اجتماعی و تاریخی‌ای که رمان در تعامل با آنها شکل گرفته‌است می‌پردازد. در ادامه به تحلیل رمان در سه سطح توصیف،^۴ تفسیر^۵ و تبیین^۶ از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی و رویکرد نورمن فرکلاف^۷ پرداخته می‌شود. همچنین به دلیل پیوند معنایی جزیره سرگردانی با رمان ساریان سرگردان- که در حکم جلد دوم آن است- جهان‌بینی سیمین دانشور در هر دو رمان تحلیل می‌شود و در ذکر شواهد نیز گاه از رمان ساریان سرگردان استفاده شده‌است.

در بررسی تحلیل گفتمانی جزیره سرگردانی و پیوند آن با رمان‌های سووشون و ساریان سرگردان، کوشش می‌شود جهان‌بینی نویسنده درباره موقعیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و نیز عواملی که در تولید این رمان مؤثر بوده‌اند، کشف گردد. همچنین این پژوهش در پی کشف این است که از نظر تحلیل گفتمان انتقادی، مهم‌ترین درون‌مایه‌های این رمان چیست و چگونه می‌توان پیوند معنایی بین رمان‌های سیمین دانشور (سووشون، جزیره سرگردانی و ساریان سرگردان) برقرار کرد؟

۲- تحلیل گفتمان انتقادی

رویکردهای تحلیل متن پیشینه‌ای گسترده دارند و نظریه‌های نقد فرمالیستی، نقد نو، نقد هرمنوتیکی، ساختارگرایی و پساساختارگرایی به دو روش تحلیل صورت و معنای

1. co-text
2. context of situation
3. critical discourse analysis
4. descriptive
5. interpretive
6. expressive
7. N. Fairclough

متن، متون را ارزیابی کرده‌اند. یکی از رویکردهای مؤثر در تحلیل متون ادبی که بیش از گرایش‌های دیگر به معنا و موقعیت زادن متن توجه می‌کند، تحلیل گفتمان انتقادی است. این رویکرد عموماً به دنبال تثبیت معنای پنهان از گذرگاه کشف و شناخت موقعیتی است که معنی در آن زاده می‌شود. نظریه پردازانی چون نورمن فرکلاف، تئون ون دایک،^۱ گونتر کرس،^۲ راجرفاولر^۳ و روث وداک^۴ در معرفی و رشد تحلیل گفتمان انتقادی نقشی مهم داشته‌اند.

براساس این رویکرد، هر متن در شرایطی ویژه، با درجات متفاوتی از انتخاب و در نسبتی با قدرت تولید می‌شود. زبان ابزار مهمی برای برقراری و حفظ روابط و دیدگاه‌های اجتماعی-سیاسی است. همچنان که واقعیت اجتماعی ناب وجود ندارد، گفتمان خنثی و بی‌طرف نیز وجود ندارد، بلکه ما با گفتمان‌ها یا متن‌های وابسته به شخص خاص، جناح خاص، ایدئولوژی خاص و... مواجهیم (بهرامپور، ۱۳۷۹: ۵۰؛ همچنین نک. آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۸۳-۱۸۲).

این رویکرد برگرفته از روش‌های موجود در رویکردهای تحلیل گفتمان است و در آن، گفتمان از سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین تشکیل شده‌است. زبان در هریک از این سطوح دارای بار ایدئولوژیک است (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۲۹-۱۲۸ و ۱۳۸). در تحلیل متن، به مواردی مانند چگونگی استفاده از زبان و کاربرد واژگان، توجه به موقعیت جامعه‌شناختی و تاریخی‌ای که متن در تعامل با آن شکل گرفته‌است، و کشف نشانه‌ها و چگونگی بازتاب موقعیت اجتماعی-سیاسی در متن توجه می‌شود.

می‌توان نتیجه گرفت که سه مفهوم الزاماً در تمام رویکردهای تحلیل گفتمان انتقادی وجود دارد: انتقاد، قدرت و جهان‌بینی که در دیگر شاخه‌های زبان‌شناسی و تحلیل کلام به آنها توجه نشده‌است.

ادبیات و به‌ویژه رمان نیز به دلیل حقیقت‌مانندی، توجه به دگرگونی‌ها و ترسیم حقایق، نگرش نویسنده را در بردارد. رمان جدی‌ترین نوع ادبی از جهت درآمیختگی با ابعاد اجتماعی و فرهنگی به شمار می‌رود و اهمیت آن آنگاه بیشتر آشکار می‌شود که

1. T. Van Dijk
2. G. Kress
3. R. Fowler
4. R. Wordak

جوامع دچار دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی شوند. رمان بیش از هر قالب ادبی توان توصیف و ترسیم این تحولات را دارد و به همین سبب بسیاری از منتقدان، از جمله ویلیام هزلیت و ای. ام. فورستر، ادبیات داستانی و رمان را بازآفرینی واقعیت دانسته‌اند (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۴۱۱-۴۰۵).

۲-۱- رویکرد نورمن فرکلاف

نورمن فرکلاف از شخصیت‌های برجسته در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی است. در نظر او، تحلیل گفتمان انتقادی روشی است که در کنار سایر روش‌ها برای بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی به کار می‌رود و مرجعی است که از آن در نزاع ضد استعمار و سلطه استفاده می‌شود. فرکلاف معتقد است تلاش‌های اولیه در زبان‌شناسی انتقادی به اندازه کافی بر کنش‌های تغییر مخاطبان تمرکز نداشته‌است؛ تحلیل زبان‌شناختی، تمرکز زیادی بر اجزای جمله داشته و به سازمان‌های سطح بالاتر از متن بی‌توجه بوده‌است (فرکلاف، ۱۹۹۵: ۳۱-۲۸). او در مطالعات اولیه خود، رویکرد خود را مطالعه زبان انتقادی نام نهاد و هدف آن را کمک به ایجاد آگاهی در مورد روابط اجتماعی- استثماری‌ای دانست که از طریق تمرکز بر زبان، این روابط را تعریف می‌کنند (فرکلاف، ۱۹۹۸: ۱۴).

فرکلاف، تحلیل گفتمان را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، بررسی می‌کند. به عقیده وی متن در درجه اول دارای کلیتی است که بدان وابسته است، در داخل متن مجموعه‌ای از عناصر وجود دارد که علاوه بر ارتباط باهم، کلیتی را می‌سازند که بدان گفتمان^۱ می‌گویند. متن یا گفتمان به مجموعه‌ای از عوامل بیرونی متکی است. این عوامل هم در فرایند تولید متن و هم در فرایند تفسیر متن مؤثرند. فرایند تولید و تفسیر، دارای تعامل و کنش متقابل‌اند و همدیگر را متأثر می‌سازند. متن به‌شدت متأثر از شرایط اجتماعی‌ای است که در آن تولید یا تفسیر می‌شود (نیستانی، ۱۳۷۹). بنابراین سطوح تحلیل گفتمان از نظر فرکلاف عبارت‌اند از: الف- گفتمان به‌مثابه متن (مرحله توصیف) که به تحلیل مقوله‌های زبان‌شناسی گفتمان فارغ از نقش زمینه می‌پردازد؛ ب- گفتمان به‌مثابه تعامل بین فرایند تولید و تفسیر متن (مرحله تفسیر) که به روابط موجود بین روندهای تولید و درک گفتمان می‌پردازد و دانش زمینه تولید متن و نسبت گفتمان با

ساختارهای اجتماعی است؛ ج- گفتمان به مثابه زمینه (مرحله تبیین) که به بررسی گفتمان به عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت می پردازد. با توجه به این امر، در بررسی هر متن با چهار لایه سروکار داریم:

لایه سطح سطح: این لایه شامل اصطلاحات و ساختار دستوری و فوقانی ترین لایه متن است و اجمالاً در حوزه مباحث سبکی قرار می گیرد. در این سطح ابتدا همه شخصیت های داستان و کنش های آنان فهرست برداری می شود تا مشخص شود با استفاده از چه نوع واژگانی معرفی شده اند (میرفخرایی، ۱۳۸۳: ۳۰). اصطلاحات هم در این سطح بررسی می شوند. معنای یک اصطلاح نه تنها وابسته ای از ساختارهای کلان سیاسی- اجتماعی، که وابسته ای از کلیت متنی مشخص است که در آن به کار رفته است.

بررسی ساختار جمله و چگونگی به کارگیری فعل نیز به این سطح اختصاص دارد و در آن، این مسأله مطرح می شود که چرا متن یک ساختار مشخص را بر سایر ساختارهای ممکن ترجیح داده است.

لایه عمق سطح: در این لایه علاوه بر ساختارهای کلان متن، معنای کلان متن- معنایی که مؤلف در صدد طرح آن است- قرار دارد. تحلیل مطالب و موضوعات و رابطه مطالب نیز در این سطح قرار دارد.

لایه سطح عمق: در این سطح لایه های متنی، ساختارهای فرامتنی و چگونگی توصیف روابط شخصیت ها و جایگاه افعال آنها در یک فرهنگ (مثبت، منفی و خنثی) بررسی می شود (همان: ۶۷). در این بخش دقت می شود که مؤلف بر کدام رفتار و گفتار شخصیت تأکید و یا آن را بزرگ نمایی یا حذف کرده است.

لایه عمق عمق: این لایه متشکل از ساختارهای کلان اجتماعی و فرهنگی است که شکل دهنده دانش اجتماعی مخاطب و مؤلف در ورای متن است (همان: ۸۹).

۳- خلاصه رمان های جزیره سرگردانی و ساریان سرگردان

ماجراهای جزیره سرگردانی (دانشور، ۱۳۷۲) در دهه پنجاه شمسی رخ می دهد. این رمان، زندگی عاطفی، روانی، فکری، خانوادگی و اجتماعی دختری جوان به نام هستی نوریان را برمی کارد که پدرش از حامیان مصدق بود و در تظاهرات حمایت از او کشته شده است. هستی با مادر بزرگش زندگی می کند و با مادرش، عشرت خانم، نیز که پس از مرگ پدر با

مردی ثروتمند ازدواج کرده‌است، ارتباط دارد. هستی دانشجوی رشته هنر است. او هم در زندگی اجتماعی و سیاسی و هم در زندگی شخصی و خانوادگی و حتی در ایمان و عقیده، سرگردان است و با افرادی با عقاید متفاوت سروکار دارد. او در دوران مبارزات روشنفکری، خواب وحشتناکی می‌بیند و در پی آن، روزبه‌روز بر سرگردانی‌اش افزوده می‌شود؛ تا اینکه سرانجام، با ازدواج با «سلیم» به آرامش می‌رسد. این آرامش در رؤیای او در آخر داستان منعکس شده‌است.

ساریان سرگردان (دانشور، ۱۳۸۰ الف) را می‌توان جلد بعدی جزیره سرگردانی دانست. هستی که در رمان پیشین سرانجام با سلیم ازدواج کرده و ظاهراً به آرامش رسیده بود، از سلیم جدا می‌شود و با مراد - که همراه او دستگیر و در جزیره سرگردانی گرفتار می‌شود - ازدواج می‌کند. آنان در بحبوحه انقلاب صاحب فرزند می‌شوند که نام همفکر مبارزشان، مرتضی را بر او می‌نهند. در سال‌های جنگ با عراق نیز هستی به توصیه طوطک غیب‌دان رؤیاهایش که سخنگوی نفس مطمئنه اوست، از رفتن به جبهه منصرف می‌شود. او قانع می‌شود که مراد را به تنهایی روانه جبهه کند، خود برای نگه‌داری از پسرش در خانه بماند و در خلوت خانه، از توصیف‌هایی که سیمین‌خانم و دکتر بهاری از جبهه کرده‌اند، الهام بگیرد و تابلوهایی از صحنه‌های جنگ بیافریند. داستان با عشق‌ورزی شعله‌ور و نورباران هستی و مراد، در شب قبل از عزیمت مراد به جبهه، پایان می‌یابد.

۴- موقعیت جامعه‌شناختی - تاریخی در جزیره سرگردانی و *ساریان سرگردان*

در رمان‌های جزیره سرگردانی و *ساریان سرگردان*، واقعیات سیاسی - اجتماعی سال‌های ملتهد قبل از انقلاب اسلامی و سال‌های آغازین انقلاب تا آغاز جنگ، از دید یک زن تصویر شده‌است. جزیره سرگردانی در بررسی عمومی و تاریخی خود، از زبانی سمبلیک استفاده کرده‌است. این رمان با بیان مفاهیمی فراگیر چون مذهب، خرافات، باورهای عمیق و عرفان، به‌وسیله خواب هستی، شعر او، نقاشی‌اش، نمایش‌نامه‌اش، مراسم نوروز و... سعی دارد وضعیت ایرانیان را به نقد بکشد و به تحلیل اوضاع ایران قبل از انقلاب، افکار رایج و متفاوت، اوضاع سیاسی - اجتماعی و حتی وضع گروه‌های خاص (بورژواها و حلبی‌آبادنشین‌ها) بپردازد.

موضوع اصلی اثر، بیان اوضاع آشفته سیاسی-اجتماعی ایران در دهه پنجاه و تسلط بیگانگان بر کشور است که با زمینه حیرت و سرگستگی روشنفکران و مبارزان سیاسی و تردید آنان بین عرفان اسلامی و آراء مارکسیستی پیوند خورده است. همچنین این رمان سرشار از اشارات نمادین است (قبادی و نوری، ۱۳۸۶: ۶۸).

مضمون *ساریان سرگردان* نیز اوضاع پیچیده و مبهم فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشور در اواخر حکومت پهلوی و زمینه‌های پیروزی انقلاب، بی‌نظمی اولیه در سال‌های نخست پس از پیروزی، ویرانگری‌های جنگ، بحران‌ها و شرایط سخت حاصل از جنگ و درعین حال حماسه و ایثار رزمندگان، با زمینه سرگردانی و بلا تکلیفی مقطعی جوانان و قرار یافتن و سرزنده شدن نسبی آنان پس از پیروزی است (پاینده، ۱۳۸۲: ۳۸-۳۲). در بخشی از رمان، دانشور به تأثیر حلبی‌آبادنشین‌ها در جریان انقلاب و شکل‌گیری انقلاب از میان آنان تأکید می‌کند (دانشور، ۱۳۸۰ الف: ۱۵۵). همچنین نویسنده جامعه را موشکافی می‌کند و در بررسی‌هایش از اعتقادات خرافی گونه مذهبی و فرهنگی انتقاد می‌نماید (همان: ۲۳۹).

۵- جزیره سرگردانی از دیدگاه تحلیل گفتمان

در این بخش رمان *جزیره سرگردانی* در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، تحلیل می‌شود و به رابطه معنایی آن با *ساریان سرگردان* نیز توجه خواهد شد.

۵-۱- جزیره سرگردانی در سطح توصیف

مقصود از توصیف، شناخت متن در چارچوب بافت متن از لحاظ کاربرد جملات، ربط منطقی کلمات و هم‌نشینی و هم‌آیی واژگان و کاربردهای استعاری است. در این رمان متغیرهایی وجود دارد که از لحاظ انتخاب نوع واژگان، هم‌نشینی و هم‌آیی واژگان و تضاد معنایی، نگرش ایدئولوژیک نویسنده را نشان می‌دهد. پس از بررسی رمان در این سطح، مهم‌ترین شاخص‌های این کاربرد از نظر پیوند معنایی و رابطه گفتمانی تحلیل خواهد شد.

۵-۱-۱- سرگردانی و ثبات

در این بخش کاربرد واژگان متضاد (تضادهای معنایی) و واژگان هم‌معنا (هم‌نشینی واژگان) و جنبه‌های استعاری واژگان در ساختار جملات بررسی می‌شود.

از لحاظ نشانه‌شناسی عنوان، نویسنده در این رمان، از یک پادگفتمان استفاده کرده‌است. او در مقابل گفتمان حاکم که ایران را «جزیره ثبات» می‌خواند، رمان را بر محور سرگردانی انسان ایرانی قرار داده و بر آن عنوان جزیره سرگردانی نهاده‌است. نویسنده خود در این زمینه می‌گوید: «جزیره سرگردانی اسمی بود که از همان ابتدای کار در مقابله با جزیره ثبات و آرامش که شاه از آن دم می‌زد، انتخاب کرده بودم» (مهرور، ۱۳۸۳: ۵۲۵). نام جزیره سرگردانی با چندلایگی معنایی‌اش، استعاره‌ای است که در پس‌زمینه سیاسی خود، هم رؤیای جزیره ثبات را به سخره می‌گیرد و هم به جزیره شنزاری در دریاچه نمک اشاره می‌کند که گورستان مبارزان سیاسی است و پر است از جمجه‌های مرده، در کنار هم و دور از هم (دانشور، ۱۳۷۲: ۲۰۲)، و در بافتی کلی‌تر، اشارتی دارد به حیرت و سرگردانی تاریخی ما؛ زیرا به گفته نویسنده «این گوشه جهان همیشه یک جزیره سرگردانی بوده‌است» (همان: ۳۲۵).

نویسنده به شیوه‌های مختلف از جمله در تصویرها و توصیف‌ها، شخصیت‌های داستان (کنشگر، کنش‌پذیر، راوی)، نحوه روایت‌پردازی، طرح و درون‌مایه برتر داستان، سرگردانی‌های انسان ایرانی را نشان داده‌است.

مهم‌ترین جلوه این سرگردانی، شخصیت اصلی داستان (هستی) است که هم نماد ایران است و هم نماد سرگردانی جوانان ایرانی در دهه‌های چهل و پنجاه؛ جوانانی دچار ایس‌م‌ها و ایده‌های متفاوت که سنت‌های دینی و ملی را مفید و کارآمد و درعین حال دست‌وپاگیر و تحکم‌آمیز می‌دیدند (قبادی و نوری، ۱۳۸۶: ۷۳-۷۱). دانشور در مصاحبه با نشریه گردون در این باره چنین توضیح می‌دهد:

هستی میان مادر بزرگ و سیمین و استاد مانی که هر کدام پایش را از یک طرف می‌کشند، سرگردان است؛ میان عشقش به سلیم و مراد هم سرگردان است... بسیار گیج است... در جزیره سرگردانی چند مسأله را در نظر داشته‌ام، اول اینکه داستان در تهران سرگردان اتفاق بیفتد که کار آسانی نبود، دیگر آنکه شخصیت‌ها آدم‌های معمولی [و] ضدقهرمان باشند که خواننده آنها را لمس کند و در آنها و در نمادها و فضاها یک حالت سرگردانی موج بزند (دانشور، ۱۳۸۳: ۹۲۷).

نویسنده در اولین خواب هستی و در آغاز رمان، سرگردانی او را با دیدن سرزمین ناشناس، درختان ناشناخته، گربه‌ها و سگ‌های بی‌دست‌وپا که کسی نیست به دادشان برسد، و به‌طور کلی یک بی‌نظمی و نابسامانی نشان می‌دهد (دانشور، ۱۳۷۲: ۷-۶).

سرگردانی این رمان، یأس و ناامیدی به همراه دارد: «صدایی می‌گوید: آنها که ریسمان دستشان بود، آنها که کلید داشتند همه‌شان گم و گور شدند» (همان: ۶). حتی به خورشید که نوید صبح صادق و امیدبخش رهایی و نجات از تاریکی است و بهار که سمبل تازگی و طراوت است، اعتمادی نیست: «اما آدم حتی به مژده خورشید هم نمی‌توانست اعتماد بکند. بهار هم گاه در راه گیر می‌کرد» (همان: ۸).

سرگردانی هستی با مدلول‌های نمادین شخصیت او (ایران، جوانان آن روز)، در همه چیز دیده می‌شود، در عشق، سیاست، حزب‌گرایی و...:

من قاطی‌پاطی هستم گاهی فکر می‌کنم چه انسان دوستم و هوادار خلیل ملکی و گاهی فکر می‌کنم به قدرت تحرک مذهب معتقدم و پیرو جلال آل احمد و به قول شما دینامیزم مذهبی. گاهی فکر می‌کنم تنها به هنر رو بیاورم، با برداشت درست سیاسی-اجتماعی، اما چه برداشتی درست است؟ نمی‌دانم (همان: ۸۷).

این سرگردانی را دانشور به زیبایی در صحنه‌ای دیگر به نمایش می‌گذارد. در این صحنه، بیژن (نابرداری هستی) راننده است و هستی مسیر را برای او تعیین می‌کند: «بیژن به راهنمایی هستی به یک خیابان فرعی به موازات تپه پیچید. بالا رفت، پایین آمد، عقب زد، جلو رفت، به چپ، مستقیم، پیچ، پیچ در پیچ، سرازیری، سربالایی، عاقبت توقف کرد. دست روی فرمان ماشین زد و گفت: حالا به کلی گم شدیم» (همان: ۱۷۳). کاربرد آهنگین کلمات تک‌سیلابی یا دوسیلابی، مانند راست، چپ، پیچ، بالا، جلو و پایین، ضرباهنگی خاص را ایجاد می‌کند که با عبارت «توقف کرد» به یک سنگینی عظیم ختم می‌شود. این همان توقف از تلاش برای شناخت وجود است که هستی پیشتر (در صفحات ۸۳ و ۸۷) از آن سخن گفته بود (پاینده، ۱۳۸۳: ۵۴۸). در مواردی دیگر نیز شخصیت‌های داستان به شیوه گوناگون این سرگردانی را نشان می‌دهند (دانشور، ۱۳۷۲: ۲۴۰، ۲۴۱). از آنجاکه نویسنده می‌خواهد سرگردانی را در تهران نشان دهد، این شهر این‌گونه وصف شده است:

هستی گفت: می‌گوید تهران یک شهر خاکستری یا قهوه‌ای است. شبیه کتابخانه‌ای است پر از کتاب‌های پراکنده فهرست نشده. نه فهرست الفبایی دارد و نه موضوعی... درکل، تهران عین مردمی است که در آن زندگی می‌کنند (همان: ۱۷۲).

در *ساریان سرگردان* نیز این سرگردانی وجودشناسانه آشکار است. برای مثال هستی در یک حدیث نفس شکوه می‌کند که نمی‌داند «کی به کی هست و کجا به کجا» (دانشور،

۱۳۸۰ الف: ۷۷)، و در جای دیگر از خود می‌پرسد: «می‌شود ذات سرگردان خودم را عوض کنم؟» (همان: ۵۴۸).

پس از طرح این موارد، نویسنده به تدریج ذهن شخصیت‌ها را برای رسیدن به اندیشه مبنایی و مرکزی رمان آماده می‌کند:

و هستی می‌اندیشید که آیا تمام طول تاریخ ما مصداق این ترجیع‌بند نبوده‌است که هیچ‌گاه نفهمیده‌ایم کجا به کجاست؟ آیا همواره رودست نخورده‌ایم؟ در برابر امر انجام‌شده قرار نگرفته‌ایم؟ و اینکه چقدر مردم ما آیا به کار برده‌اند... و مراد گفت: چه طنز تاریخی عجیبی، شاه می‌گوید جزیره ثبات و ما در جزیره سرگردانی هستیم. (دانشور، ۱۳۷۲: ۱۸۵)؛ صدای مراد: سردرگمی... آشفتگی فکر تاریخی... کشور ما یک جزیره سرگردانی وسیع است (دانشور، ۱۳۸۰ الف: ۲۴۳).

در نیمه دوم جزیره سرگردانی نیز نویسنده با نگاهی ایدئولوژیک، از زبان هستی چنین بیان می‌کند: «خوب سرگشته‌ام. کی نیست؟ کره زمین سرگردان است، منم یکی از ساکنان کره زمینم» (دانشور، ۱۳۷۲: ۲۵۵). گویا هستی تسلیم این سرگردانی شده‌است.

۵-۱-۲- ایدئولوژی، حزب‌گرایی و جریان‌های روشنفکری

گرایش‌های حزبی و ایدئولوژیک قبل از انقلاب، در این رمان برجسته است. سیمین دانشور، همچنان که در مصاحبه با نشریه گردون به این موضوع پرداخته، جریان‌های ایدئولوژیک را نقد می‌کند و معتقد است با اینکه از نزدیک شاهد خیلی از این جریان‌ها بوده، گرایش و اعتقادی به آنها ندارد؛ چون هر کدام خودشان را مستقل از مردم می‌بینند و در رفتارشان بدون اندیشه عمل می‌کنند (دانشور، ۱۳۸۳: ۹۲۷).

مراد و مرتضی نماینده طبقه‌ای از روشنفکران‌اند که دنبال اصلاح وضع موجود هستند. نویسنده در ترسیم سیمای انقلابی مراد و هم‌زمانش، مقدمات را به گونه‌ای فراهم می‌کند که خواننده در حق آنان طعن کند و اندیشه بد روا دارد (همان: ۲۰، ۲۵، ۳۱، ۷۰ و ۷۱).

در رمان با چنین تعابیری درمورد مراد مواجهیم: مراد، این جوان پر جوش و خروش؛ مرادی که «انگار همیشه سر آتش نشسته»؛ مراد خیال‌پرداز رؤیاساز؛ «زن استاد گفت: شبیه مراد را در وطن اول دیدم... در هوا هستند. ایده‌آلیست... خیال‌باف کلمه خوبش است. آخرش با سیاست ازدواج می‌کند و خانواده بدبخت می‌کند» (همان: ۷۱)؛ مرادی که از ترس می‌رود توی گنجه قایم می‌شود، در راه به روی خودش قفل می‌کند. انقلابی

مبارزی که با یک پیشرفت فرار می‌کند و در راه فرار، خودش را خیس می‌کند (همان: ۲۲۴)؛ جوان لاغر مردنی زار و نزار که از نظر پدرش مغزش معیوب است، از نظر خود هستی، آدمی بی‌کله است، از نظر استادعیسی، سیاست‌بافی است آیکی با مغزی علیل، از نظر استادمانی از آن جوان‌های بی‌طاقت است که آشفته‌اند و قاطی‌پاطی و از نظر زن استاد، مردی خانواده‌بدبخت‌کن و پادرواست (همان: ۷۰؛ عاطف‌راد، ۱۳۸۳: ۵۹۳).

نویسنده در قالب گفت‌وگوهای طولانی بین هستی و سلیم، به طرح مسائلی چون اومانیسیم، مهدویت انقلابی، ایدئولوژی و ایدئولوژی‌زدگی، شیطان‌زدگی، رنسانس و... می‌پردازد و سعی می‌کند نقاط قوت و ضعف این مکاتب را نشان دهد و بنمایاند که چگونه انسان معتقد به ایدئولوژی، تک‌بعدی است (دانشور، ۱۳۷۲: ۳۷-۳۱).

شخصیت سلیم هم به اندازهٔ مراد جالب است. او که با نام مستعار پوریا، مغز متفکر گروه انقلابیون، رابط جناح‌های مختلف و طراح مبارزهٔ سیاسی است، برای آنکه با دختری بیرون از خانه نهار بخورد، باید از مادرش اجازه بگیرد و هستی او را پهلوان‌پنبه و دن‌کیشوت‌مسک می‌داند. سلیم در انگلیس تاریخ ادیان خوانده است و به نظر می‌رسد که باید انسانی پخته و مجرب باشد، اما با دو جملهٔ یک دختر کم‌تجربه و خام به دام می‌افتد و با یک‌بار صحبت با هستی، به‌رغم تمام مخالف‌خوانی‌های او، می‌فهمد که میان ده‌ها دختری که مادرش به او معرفی کرده، هستی همان است که دنبالش می‌گشته (دانشور، ۱۳۷۲: ۳۸ و ۱۶۰).

نویسنده نگرشی منفی نسبت به ایدئولوژی‌های موجود دارد و بخشی از سرگشتگی را حاصل این ایدئولوژی‌ها می‌داند.

۵-۱-۳- هویت و تقابل سنت و تجدد

نویسنده به مقتضای موضوع اثر، سنت و هویت ملی را نیز چون اشخاص داستان سرگردان کرده‌است. همگان با سنت بازی می‌کنند، از احمد گنجور- دلال امریکایی- گرفته تا سلیم که میان *مفاتیح‌الجنان*، و *حلیه‌المتقین*، *زاد‌المعاد*، آراء دکتر شریعتی، عرفان هندی، *تذکره‌الاولیا*، *تاجری* تکمه در بازار، روحیات انقلابی و... سرگردان است.

خانوادهٔ گنجور بیشترین نمود بی‌هویتی در داستان است. خانواده‌ای که نوستالژی اشرافیت دارد، ولی به قول هستی «اگر اشرافیت از ریشهٔ شرف باشد، خوب چیزی است؛

منتها اشرافیت هم در اینجا تغییر معنا داده. اشرافیتِ تهران یعنی بریزپاش و مصرف بی‌رویه برای خودنمایی» (همان: ۱۶۹).

از مصادیق طنزآمیز بی‌هویتی این است که در جشن‌های دوهزار و پانصدساله «برای رژه قشون ایرانی از دوران کورش که آسوده خوابیده‌اند تا عصر حاضر، یک تن ریش و موی مجعد و غیر مجعد به فرانسه سفارش داده شده بود» (همان: ۱۸۱)؛ همچنین «تمام منجوق‌ها و مرواریدها و پش‌های زنان را در جشن‌های دوهزار و پانصدساله و جشن‌های تاج‌گذاری، از انگلیس وارد کرده بودند» (همان: ۲۴۳).

تقلید از غرب و فاصله گرفتن از هویت و سنت ملی و ایرانی، در ساربان سرگردان با برجستگی بیشتری نشان داده شده‌است: «صدای استادمانی: چرا نباید معماری ایران تکامل یافته معماری دوران صفوی در اصفهان باشد، با نگاهی به معماری زندیه در شیراز و حتی معماری قاجار! این بناها چیست که می‌سازند؟ هیچ‌کدام هویت ایرانی ندارند. می‌شود از غرب الهام گرفت؛ اما با تکیه بر پشتوانه سنت‌های خودمان. مقلد نباید بود. کوبیسم و سوررئالیسم چه ربطی به نقاشی ما دارد؟» (دانشور، ۱۳۸۰ الف: ۲۴۴). به اعتقاد پاینده «مضمون سرگردانی در این دو رمان، با مضمون فقدان هویت - به‌ویژه هویت تاریخی - گره خورده‌است» (پاینده، ۱۳۸۳: ۵۴۸).

۵-۱-۴- استعمار، حضور بیگانگان و استبداد

دانشور در گفتگو با مجله گردون از حضور مستشاران فراوان امریکایی و خارجی در ایران سخن می‌گوید: «می‌دانید که ما در آن زمان قریب پنجاه تا شصت هزار مستشار امریکایی داشتیم، آن هم در مشاغل کلیدی، از قبیل ارتش، سازمان برنامه و وزارت آموزش و ...» (دانشور، ۱۳۸۳: ۹۳۰).

تعدد شخصیت‌های خارجی در رمان‌های دانشور قابل توجه است. افرادی چون «سر ادوارد» و همسرش «لعل بیگم»، «مستر هیتی» و دخترش «هلن هیتی»، «مستر کراسلی»، «پگی» همسر «موری»، «پسیتا» خدمتکار فیلیپینی، و همسر ایتالیایی دکتر بهاری، نمونه‌هایی هستند که نویسنده خواسته‌است با وارد کردن آنان به صحنه رمان، بر حضور فعال و اثرگذار امریکایی‌ها و انگلیسی‌ها در حیات سیاسی و اجتماعی این سرزمین

تأکید کند. به اعتقاد یکی از منتقدان این رویکرد سیمین دانشور متأثر از نگرش ضد امپریالیستی آل احمد است (اسحاقیان، ۱۳۸۵: ۱۱۲).

در سراسر جزیره سرگردانی، وابستگی اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیربنایی ایران آن روزگار را در رفتار شخصیت‌های خارجی می‌بینیم. این حضور و تأثیر در رفتار فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دو کارشناس خارجی نمادینه شده است: «مستر هیتی» حاضر نیست به هستی - که متقاضی شغل دبیری است - اجازه استخدام بدهد، زیرا او زمان تحصیل در دانشکده هنرهای زیبا در فعالیت سیاسی شرکت می‌کرده است (دانشور، ۱۳۷۲: ۷۲). «مستر کراسلی» نیز که به‌عنوان کارشناس باستان‌شناسی به ایران آمده است، در جستجوی منطقه‌ای غیرمسکونی و دورافتاده است تا آمریکا زباله‌های اتمی خود را در آنجا دفن کند (همان: ۲۰۲). او با کشف یک منطقه بد آب‌وهوا و وحشتناک به ساواک پیشنهاد می‌کند بخشی از زندانیان سیاسی را که اقرار نمی‌کنند، به آنجا تبعید کند (همان). دانشور در این رمان، ماهیت مستشاران و کارشناسان آمریکایی را افشا می‌کند و نشان می‌دهد که برخورد آنان با ایرانیان، همانند رفتارشان با سیاه‌پوستان آمریکایی است. به‌عنوان مثال وقتی هستی از هلن، دختر مستر هیتی آمریکایی، می‌پرسد که چرا مادرش کمتر به میهمانی می‌آید، هلن می‌گوید: «او مدتی است به دلایلی پا از خانه بیرون نمی‌گذارد و عقیده دارد مردم ایران وحشی هستند» (همان: ۲۰۳).

نویسنده از زبان سلیم، حکومت شاه را دست‌نشانده می‌داند (همان: ۱۶۷) و راه مقابله با وضع موجود را این‌گونه بیان می‌کند: «بایستی با تحلیل همه‌جانبه از شرایط اجتماعی و اقتصادی و دینی و سیاسی، یک نظام فکری معقول بنا نهاد» (همان: ۱۶۷؛ همچنین نک. ۶۴؛ ۱۶۸، ۲۳۰-۲۲۹، ۲۴۹ و دانشور، ۱۳۸۰ الف: ۲۴۲).

از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی در رمان *ساربان سرگردان*، نویسنده موقعیت تاریخی، سیاسی و اجتماعی را به نقد کشیده است:

بعد از بیست‌وهشت مرداد، اختناق و خشونت، به فاشیسم و استبداد مطلق منجر شد و با پلیس و سازمان امنیت ادامه یافت و زندان‌ها پر شد و از هر گروهی با هر طرز تفکری چندین نفر به اعدام محکوم شدند. جرم آنها تنها مخالفت با شاه بود... اصل رژیم بعد از بیست‌وهشت مرداد تغییر نکرد. تنها مانورهای به ظاهر اصلی - اما سطحی - داده شد. دولت اقبال، مبارزه با تریاک زاهدی و از بین بردن جنبش‌ها به وسیله انقلاب از بالا و رشد بورژوازی کمپرادوریسم

که پایگاه نئوکلنیالیسم شد... اصلاحات ارضی مهم‌ترین مانور اصلاحاتی رژیم بود. انقلاب سفید. تازه این تز امریکا بود که امینی و ارسنجانی حرفش را زدند و شاه از دست آنها ربود. پایگاه اجتماعی استعمار انگلیس فئودالیسم است... در این رژیم حتی یک روز حکومت بدون سرنیزه و شلاق امکان ندارد. همچنین بدون تطبیق رژیم با امپریالیسم انگلیس یا نئوکلنیالیسم امریکا» (دانشور، ۱۳۸۰ الف: ۷۹-۷۷).

۵-۲- جزیره سرگردانی در سطح تفسیر

گفتمان‌ها و متون آنها دارای تاریخ‌اند و متعلق به مجموعه‌های تاریخی هستند. تفسیر، باتوجه به بافت بینامتنی، به این موضوع بستگی دارد که متن را متعلق به کدام مجموعه بدانیم و در نتیجه چه چیزی را میان مشارکین، زمینه مشترک و مفروض بخوانیم. پذیرش بافت بینامتنی مستلزم آن است که به گفتمان‌ها و متون از دریچه چشم‌انداز تاریخی نگریسته شود (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۳۰ و ۲۳۵). برای شناخت نوع ارتباط متن و ساختارهای اجتماعی، تنها پرداختن به صورت متن کافی نیست؛ زیرا ارزش ویژگی‌های متنی تنها با واقع‌شدن در تعامل اجتماعی است که جنبه‌های واقعی می‌یابد و از نظر اجتماعی عملی می‌شود. در این مرحله است که متون براساس پیش‌فرض‌هایی مبتنی بر عقل سلیم (بخشی از دانش‌زمینه‌ای) که به ویژگی‌های متنی ارزش می‌دهند، تولید و تفسیر می‌شوند. در این بخش، زمینه مشترک بافت بینامتنی دخیل در شکل‌گیری متن و عنصر مشترک آن با گفتمان جاری در رمان بررسی می‌شود. در سطح تفسیر، با بازگشت به گذشته و پیش‌زمینه‌ای که در بن‌مایه‌های متن مورد استفاده قرار گرفته‌اند و در بخش توصیف اثر به آنها اشاره شد، رمان تحلیل می‌شود.

جزیره سرگردانی، داستان سرگردانی‌ها و راه‌جویی‌های جوانان و مبارزان دهه پنجاه است. مبارزان دینی، طرفداران دکتر شریعتی، روشنفکران لائیک و گروهی از مردم ستم‌دیده به میدان می‌آیند، تا جایی که کار به مبارزه مسلحانه نیز کشیده می‌شود. نویسندگان با فاصله گرفتن از روایت مستقیم و عینی حوادث و رویدادهای انقلاب و قبل از آن، تلاش می‌کند پس‌زمینه این تحولات را بررسی نماید. با نگاهی به آثار سیمین دانشور (سووشون، جزیره سرگردانی و ساریان سرگردان)، مخاطب همواره تقابل توده و نظام را تجربه می‌کند (فرامرزی، ۱۳۸۳: ۱۶).

نویسنده با نگاهی به جدال‌های ایدئولوژیکِ گروه‌های مارکسیست، ملی‌گرای و... بر ضد رژیم حاکم، رمان را آغاز می‌کند و با گذار زمان به انقلاب، به فرامادی‌گرایی، معنویت و عدم اتکای محض به منطق بشری توجه می‌کند. از طریق گفتگوهای متعدد، زمینه به چالش کشیدن ایدئولوژی‌های متعدد و گوناگون فراهم می‌شود و یک جدال ایدئولوژیک شکل می‌گیرد. شخصیت‌های متعدد در قالب تیپ‌های ایدئولوژیک در مقابل هم قرار می‌گیرند و این روند تا نیمه دوم رمان (ساربان سرگردان) ادامه دارد. در این بخش تیپ‌ها از چارچوب ایدئولوژیک خارج می‌شوند و در گفتمانی متفاوت قرار می‌گیرند.

در جزیره سرگردانی ابتدا ماجرای توده‌ای که زیر فشار نظام، دنبال راهی برای رهایی است، به تصویر کشیده شده است و به تدریج نظریه‌های مختلفی برای مبارزه با نظام و تغییر وضع موجود مطرح می‌شود.

۵-۳- جزیره سرگردانی در سطح تبیین

در مرحله اول در رمان، استفاده از گزارش توده‌ها دست‌مایه‌ای است تا نویسنده فساد نظام حاکم، استبداد، اختناق و برخورد با توده‌ها را نشان دهد. در مرحله دوم نویسنده با ارائه ایدئولوژی‌های مختلف، به ناکارآمدی ایدئولوژی و سرگردانی‌ای که این ایدئولوژی‌ها برای توده مردم ایجاد کرده‌اند، اشاره می‌کند.

در این اثر، مسأله هویت، آزادی، سرگردانی انسان مدرن، توسعه، سنت و مدرنیسم، مذهب و بی‌ایمانی، مسأله زنان و... چه در گفتگوها و چه در صحنه‌سازی‌ها و روایت‌ها، مورد توجه قرار گرفته است. از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی، نویسنده در این رمان در تقابل با اندیشه و گفتمان حاکم قرار گرفته است. سرگردانی مهم‌ترین اندیشه تقابلی در این رمان است که در شخصیت هستی نمود یافته است. جهان‌بینی نویسنده در شخصیت هستی، در معنی نمادین جوانان ایرانی دهه چهل، زن ایرانی، هستی و زندگی و ایران، نمود می‌یابد. نویسنده برای هر کدام از این مدلول‌های نمادین، هستی را در موقعیت‌های گوناگون قرار می‌دهد تا مهم‌ترین نگرش درباره سرگردانی را نمایان کند. مدلول‌های این سرگردانی در شخصیت هستی به شرح ذیل است:

هستی در این رمان از جنبه‌های گوناگون سرگردان است. نخستین سرگردانی هستی، نوع نگاهی است که نویسنده به طبقات معاصر ایران در آن سال‌ها دارد. در این بخش

نویسنده با نگاهی ایدئولوژیک شخصیت‌ها را انتخاب کرده‌است و برخی از این شخصیت‌ها که در نقطه مقابل دیدگاه نویسنده‌اند، به بازی گرفته می‌شوند. هستی، دختری از طبقه متوسط، در پی انتخاب آینده خویش است. در یک طرف این انتخاب، مادرش قرار دارد: زنی ولنگار که همسرش را در نهضت ملی ایران از دست داده‌است و هنوز از سوگ برنخاسته، همسری دیگر یافته‌است (هرچند تا پایان به او نیز وفادار نمی‌ماند). هستی فرزند همسر اول عشرت است. مردی که به گفته مادر بزرگ «در راه پیر مرد [مصدق] شهید شد» (دانشور، ۱۳۷۲: ۲۶ و ۲۹). از این رو یکی از گزینه‌های هستی راهی است که پدر و مادر بزرگش پیش روی او قرار می‌دهند، در حالی که مادر او در جهت مخالف این راه قرار دارد (همان: ۱۶۹).

دانشور در آغاز رمان، دوراهی هستی را چنین توصیف کرده است:

آیا هستی در ته دل جهانی را که مادرش در آن می‌زیست، ترجیح می‌داد؟ آیا دنیای مادرش درهایی را به روی او می‌گشود که در زندگی او با مادر بزرگ امکان گشایش چنین درهایی نبود؟ اما هستی آن درها و آدم‌های پشت آن درها را از گروه بورژوازی توخالی می‌دانست (همان: ۱۷).

نویسنده ابتدا سعی در نشان دادن سرگردانی هستی به‌عنوان نماینده ایران و جوانان ایرانی در رویارویی با این موقعیت‌های طبقاتی دارد و در نگاه عمیق‌تر، قصدش موضوعی دیگر است:

قصدم نشان دادن دوران انتقالی از دوران شاه به دوران انقلاب بود. اینکه بی‌هویتی بورژواها و تازه به دوران رسیده‌ها هم در زمان شاه منعکس شود و این‌گونه مردم بدانند که هویت ارثی نیست، به‌دست‌آوردنی است و همچنین زندگی را به صورت نمایش‌هایی نشان بدهم. نمایش‌هایی [که] غالباً آدم‌های ناشی نوشته‌اند و آدم‌های ناشی هم بازی کرده‌اند. همچنین اعتقادات توده مردم هم به صورت نمایشی تصویر بشود و در نتیجه توده مردم را مقابل بی‌دردی آدم‌های مرفه بگذارم (دانشور، ۱۳۷۳).

دوراهی دیگر هستی انتخاب بین مراد و سلیم است که جدای از عشق و ازدواج، انتخاب یک مسلک و یک ایدئولوژی است. مراد پاکدل مهم‌ترین نامزد هستی است که گرچه موقعیت طبقاتی‌اش پرولتاریایی (کارگری) نیست، دلبسته طبقه کارگر است. او سر سازگاری با هیچ‌یک از طبقات حاکم ندارد و می‌گوید: «الگوی مصرفی باید عوض شود.» (دانشور، ۱۳۷۲: ۷۴). مراد بی‌پرواست و این بی‌پروایی را به هستی نیز تسری می‌دهد: «مراد

بارها به او گفته بود اگر می‌خواهی اصالت داشته باشی، باید به مادرت پشت کنی و از آن طبقه ابله [طبقه بورژوا] دریایی» (همان: ۱۷).

انتخاب دیگر هستی، سلیم، روشنفکری دینی است که از مهدویت انقلابی دفاع می‌کند: «این نوع دینداری فرار از تجددخواهی به سبک غربی یا مدرنیزم و ننگار است» (همان: ۳۱). او بر روشنفکران غیرمذهبی می‌تازد (همان: ۲۴۰).

سرگردانی ایدئولوژیک به سرگردانی طبقاتی هستی افزوده شده‌است. سلیم او را به خود می‌خواند و مراد او را از خود می‌راند: «صدای سلیم را می‌شنید که می‌گفت: من به حرف آخر دکتر شریعتی معتقدم که می‌گفت: آزادی... برابری... عرفان» (همان: ۳۵). به تدریج دیگران نیز به کمک هستی می‌آیند. مادرش به نسب اشرافی سلیم می‌بالد و مادر بزرگ به خوی مذهبی خواستگار. حتی استاد او که استاد مراد هم هست، او را به ازدواج با سلیم فرا می‌خواند و از زندگی با مراد برحذر می‌دارد: «آخرش با سیاست ازدواج می‌کند و خانواده بدبخت می‌کند» (همان: ۷۱). هستی اکنون در سرگردانی مضاعف فرو رفته‌است: «من قاطی‌پاطی هستم. گاهی فکر می‌کنم چپ انسان دوستم... و گاهی فکر می‌کنم به قدرت تحرک مذهب معتقدم... اما چه برداشتی درست است؟ نمی‌دانم» (همان: ۸۷).

نویسنده در پایان - همچنان که در پایان ساربان سرگردان - نظرش را درباره حزب‌گرایی بیان می‌کند و معتقد است همه حزب‌ها و ایدئولوژی‌ها باید با هم جمع شوند تا بتوانند کاری کنند.

تلفیق اندیشه‌های سیاسی از وجوه دیگر جهان‌بینی نویسنده است. در حالی که فشار، اختناق و استبداد رژیم پهلوی در هم ادغام می‌شوند، نیروهای سیاسی به سرعت دگرگون می‌شوند: «اولش پان‌ایرانیست بوده، بعد جبهه ملی و بعد مارکسیست منهای لنین، چپ مستقل از فدائیان خلق...» (همان: ۲۲۷). روزگار دست مراد و سلیم را در دست هم می‌گذارد. روحانیت وارد صحنه مبارزه سیاسی می‌شود. سلیم همچون همه روشنفکران دینی به حلقه اتصال روحانیت و انقلاب تبدیل می‌شود (همان: ۲۳۷). اکنون نه سلیم و نه مراد، فرصت انتخاب هستی را ندارند. انتخاب نوع مبارزه و استراتژی آن مهم است (همان: ۱۶۵-۱۶۴).

هستی هنوز در فکر انتخاب زندگی خویش است (همان: ۱۷۶)، اما سرگردانی اجتماعی و استبداد امکان انتخاب را نمی‌دهد. مراد و هستی دستگیر می‌شوند. رابطه عاشقانه به رابطه سیاسی تبدیل می‌شود. آن دو به جزیره سرگردانی تبعید می‌شوند. با آزاد شدن

مراد و هستی از جزیره سرگردانی و فروپاشی رژیم پهلوی، نقش‌های عصر سرگردانی نیز فرومی‌ریزد و شخصیت‌ها متحول می‌شوند. مراد که دچار تحول ایدئولوژیک شده‌است، در جایی می‌گوید: «ای خدایی که هستی به تو اعتقاد دارد، ما را از جزیره سرگردانی نجات بده» (دانشور، ۱۳۸۰ الف: ۹۷). هستی و مراد از جزیره سرگردانی رهایی می‌یابند و عصری جدید فرامی‌رسد: «قرن مذهب، قرن مذهب که از دنیای غرب انتقام خواهد کشید» (همان: ۱۳۶).

نویسنده در فصل آخر «ساریان سرگردان» همه را به سوی آرامش و معنویت هدایت می‌کند و همه شخصیت‌ها به ثبات می‌رسند. همه چیز تغییر می‌کند و روشنفکران به انقلاب روحانیون می‌پیوندند.

انقلاب اندکی بعد به جنگ متصل می‌شود و روشنفکرانی که تازه به انقلاب پیوسته‌اند نیز در جنگ شرکت می‌کنند: «مراد سرش را در دست گرفته بود و راه می‌رفت... می‌روم جبهه... تا دست‌کم کاری کرده باشم» (همان: ۲۹۶). بنابراین با تحولی که دانشور در همه شخصیت‌های داستانی ایجاد کرده‌است، انسان ایرانی را دارای هویتی همراه با معنویت شناسانده‌است.

۶- پیوند گفتمانی رمان‌های سیمین دانشور

رمان‌های دانشور، از سووشون تا ساریان سرگردان، پیوند معنایی دارند و جنبه‌های ایدئولوژیک نگرش نویسنده را نشان می‌دهند. دانشور در سووشون از حضور استعمار در ایران و تبعات زیانبار آن سخن گفته‌است و فقر، محرومیت، گرفتاری مردم و در کنار آن غارت اموال و سرمایه ملی را ناشی از حضور بیگانگان می‌داند (نک: دانشور ۱۳۸۰ ب: ۵، ۶، ۹، ۱۶، ۲۴، ۲۵ و ۳۵). در جزیره سرگردانی و ساریان سرگردان نیز حضور انگلیسی‌ها و امریکایی‌ها با هم است. در این دو رمان، نویسنده از نقش مستقیم امریکایی‌ها و انگلیسی‌ها در مشاغل دولتی سخن گفته‌است و سرکوب جبهه ملی از سوی استعمار را پررنگ‌تر می‌کند. غارت اموال مردم و دور کردن آنان از سنت اصلی و هویت ملی‌شان، از دیگر جنبه‌های این حضور است.

در سووشون «سر جنت زینگر» شخصیتی مرموز و هزارچهره است که نخست مأمور فروش چرخ و سپس از فرماندهان نیروهای انگلیس در شیراز است و حمله به کاروان‌ها با

اشاره اوست. این نقش را در جزیره سرگردانی و ساریان سرگردان، «مستر کراسلی» بر عهده دارد که دنبال جایی برای دفن زباله‌های هسته‌ای امریکاست و تبعید افراد به جزیره سرگردانی، با اشاره اوست.

نگرش دانشور به حزب‌گرایی و ایدئولوژی از سووشون شروع شده و در جزیره سرگردانی و ساریان سرگردان برجسته‌تر است. در سووشون فتوحی نماینده حزب توده است و در دو رمان بعدی، مراد این نقش را برعهده دارد. در سووشون نویسنده مدام بر فتوحی و اندیشه‌هایش خرده می‌گیرد (نک. دانشور ۱۳۸۰ ب: ۱۵۳، ۱۵۴، ۲۱۵ و ۲۱۷). در جزیره سرگردانی مخالفت با اندیشه حزبی شدت می‌یابد و شخصیت مراد بهترین تجلی این مخالفت است.

بی‌هویتی خانواده‌هایی که به‌تجدد دروغین روی آورده‌اند، از جنبه‌های دیگر جهان‌بینی نویسنده در این رمان‌هاست. اغلب این خانواده‌ها یا منش اشرافی و یا عقده اشرافی‌گری دارند و نویسنده با معرفی سیمای تباه آنها، اعتراض خود را نشان می‌دهد. در سووشون، نویسنده تجمل‌پرستی و اشرافیت بی‌ریشه عزت‌الدوله و سازش‌کاری او با حاکمیت و بیگانگان را نشان می‌دهد (همان: ۸، ۹، ۹۳، ۹۴، ۱۸۴ و ۱۸۵). در جزیره سرگردانی و ساریان سرگردان نیز خانواده احمد گنجور چنین خصوصیتی دارند (دانشور، ۱۳۷۲: ۱۰، ۱۶۸ و ۱۶۹). موضوع مشترک دیگر، توجه نویسنده به نقش‌های مذهبی در این سه رمان است و نویسنده شخصیت‌های داستان را به سنت‌های مذهبی نزدیک می‌کند. ارزش شهادت هم در سووشون و هم در ساریان سرگردان برجسته است. سووشون نمادی از شهادت است. در پایان ساریان سرگردان نیز همه شخصیت‌های داستان حاضرند در جبهه فعالیت کنند. همچنین نویسنده آیات قرآنی زیادی را در داستان‌هایش تضمین کرده است.

۷- نتیجه‌گیری

در جزیره سرگردانی و ادامه آن (ساریان سرگردان)، نویسنده با جمع استناد و تخیل، واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی جوانان و مبارزان دهه پنجاه شمسی را به هنگام چیرگی استعمار امریکا و انگلیس بر ایران بازتاب داده است.

نویسنده هرکدام از شخصیت‌ها را نمونه‌ای از یک تیپ و طبقه اجتماعی قرار داده است. خانواده گنجور نماینده انسان‌هایی است که هویت خود را از دست داده و به‌تجدد

دروغین روی آورده‌اند. مراد، سلیم و مرتضی نیز نماینده طبقه روشنفکرند؛ کسانی که نجات کشور را در براندازی رژیم حاکم با مبارزه مسلحانه می‌دانند. مهم‌ترین گزاره‌های رمان از نظر تحلیل گفتمانی که جهان‌بینی نویسنده را در این رمان در بردارد، در موارد ذیل دسته‌بندی می‌شود:

۱- سرگردانی و ثبات؛

۲- ایدئولوژی، حزب‌گرایی و جریان‌های روشنفکری؛

۳- هویت، وطن‌پرستی، سنت و تجدد دروغین؛

۴- استعمار، حضور بیگانگان، استبداد، فساد و آلودگی.

در هریک از موارد فوق، نویسنده در سطح توصیف با کاربرد واژگان خاص و استفاده از هم‌نشینی و هم‌آیی در کاربرد واژگان و برجسته کردن برخی از لغات و اسم‌سازی در معنی استعاری (از جمله در عنوان رمان، جزیره سرگردانی، همچنین در سرگردانی‌هایی که در جریان حوادث برای شخصیت‌های داستان پیش می‌آید و در توصیف‌ها)، تقابل گفتمانی را برجسته کرده‌است. در بخش تفسیر نیز نویسنده سرگردانی‌ها و راه‌جویی‌های جوانان و مبارزان دهه پنجاه را به تصویر کشیده‌است. از طریق گفتگوهای متعدد، زمینه به‌چالش کشیدن ایدئولوژی‌های متعدد فراهم می‌شود و یک جدال ایدئولوژیک شکل می‌گیرد. در شخصیت‌های متعدد، در قالب تیپ‌های ایدئولوژیک مقابل هم قرار می‌گیرند. این روند تا نیمه دوم رمان (ساریان سرگردان) ادامه دارد. در این بخش تیپ‌ها از چارچوب ایدئولوژیک خارج می‌شوند و در گفتمانی متفاوت قرار می‌گیرند.

از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی در بخش تبیین، مهم‌ترین نگاه‌های ایدئولوژیک نویسنده که در دیگر آثار او هم شاهد آن هستیم، عبارت‌اند از مقابله با استعمار و استبداد، مخالفت با حزب‌گرایی و ایدئولوژی و نگاه منفی به حزب توده، نگرش منفی به تجدد دروغین و بی‌هویتی و تأکید بر اهمیت سنت و هویت، و نقش و اهمیت مذهب.

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵)، *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۸۶)، «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات» فصلنامه ادب‌پژوهی، شماره اول، صص ۲۱-۱۷.
- اسحاقیان، جواد (۱۳۸۵)، *درنگی بر سرگردانی‌های شه‌رزاد پسامدرن سیمین دانشور*، تهران: گل‌آذین.
- بهرام‌پور، شعبانعلی (۱۳۷۹)، «درآمدی بر تحلیل گفتمان»، مجموعه مقالات *گفتمان و تحلیل گفتمانی*، به اهتمام محمدرضا تاجیک، تهران: فرهنگ گفتمان، صص ۵۸-۳۳.
- پاینده، حسین (۱۳۸۲)، *گفتمان نقد*، تهران: روزگار.
- _____ (۱۳۸۳)، «سیمین دانشور شه‌رزادی پسامدرن»، *بر ساحل جزیره سرگردانی: جشن‌نامه دکتر سیمین دانشور*، تهران: سخن، صص ۵۵۶-۵۳۵.
- دانشور، سیمین (۱۳۷۲)، *جزیره سرگردانی*، تهران: خوارزمی.
- _____ (۱۳۸۰ الف)، *ساریان سرگردان*، تهران: خوارزمی.
- _____ (۱۳۸۰ ب)، *سووشون*، تهران: خوارزمی.
- _____ (۱۳۸۳)، «گفتگو با سیمین دانشور به مناسبت انتشار جزیره سرگردانی»، *بر ساحل جزیره سرگردانی: جشن‌نامه دکتر سیمین دانشور*، تهران: سخن، صص ۹۳۴-۹۱۳.
- دهباشی، علی (۱۳۸۳)، *بر ساحل جزیره سرگردانی: جشن‌نامه دکتر سیمین دانشور*، تهران: سخن.
- عاطف‌راد، مهدی (۱۳۸۳)، «با ساریان سرگردان در جزیره سرگردانی»، *بر ساحل جزیره سرگردانی: جشن‌نامه دکتر سیمین دانشور*، تهران: سخن، صص ۵۹۷-۵۸۳.
- فرامرزی، حسن (۱۳۸۳)، «دوباره از همان خیابان‌ها: یادداشتی درباره سیمین دانشور و مفهوم انقلاب»، *روزنامه شرق*، ۱۸ بهمن، ص ۱۶.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، «تحلیل انتقادی گفتمان»، مترجمان فاطمه شایسته‌پیران و دیگران، ویراستاران محمد نبوی و مه‌ران مهاجر، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- قبادی، حسین‌علی و نوری خاتونبانی، علی (۱۳۸۶)، «نمادپردازی در رمان‌های سیمین دانشور»، فصلنامه *گوهر گویا*، شماره اول، (۳۱)، صص ۸۶-۶۳.
- قهرمان، ساسان (۱۳۸۳)، «سرگردانی جزیره‌ها»، *بر ساحل جزیره سرگردانی: جشن‌نامه دکتر سیمین دانشور*، تهران: سخن، صص ۵۰۳-۴۹۵.

مهرور، زکریا (۱۳۸۳)، «سیمین دانشور و جزیره سرگردانی»، بر ساحل جزیره سرگردانی: جشن‌نامه دکتر سیمین دانشور، تهران: سخن، صص ۵۳۴-۵۲۵.

میرفخرایی، تژا (۱۳۸۳)، «فرایند تحلیل گفتمانی، تهران: مرکز تحقیقات رسانه‌ها.

نیستانی، محمود (۱۳۷۹)، «تحلیل گفتمان انتقادی در عمل: تفسیر، تبیین و جایگاه تحلیلگر»، *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، صص ۲۵۲-۲۱۳.

یوسفی، لیلا (۱۳۷۸)، *بررسی آثار داستانی سیمین دانشور*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Fairclough, Norman (1995), *Critical Discourse Analysis*, Singapore.

(1998), *Language and Power*, London: Longman.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی